



اثرانک

هفت تپه دشت خوزستان

سفالیتهای دوره‌ی عیلام میانی



اسماعیل یغمابی
سمیرا ایمنی

هفت قیه

دشت خوزستان

سفالینه‌های دوره‌ی علام میانی

اسماعیل یغمایی
سمیرا ایمنی

پیش بـ معلم هـی باستان شناس ایران
دکـر عـزـت الله گـهـبـان

به جای جای وطن رفتی از پی کاوش
دریغ کرد همین خاک مرده پیکر تو
دروـد من به روان اشوی تو استاد
کـه پـاـک بـودـه و هـست هـمـچـوـذـات و گـوـهر تو

عنوان و نام پدیدآور	یغمایی، اسماعیل، ۱۳۲۰-	سرشناسه
مشخصات نشر	هفت تپه دشت خوزستان، سفالینه های دوره عیلام میانه،	
مشخصات ظاهری	اسماعیل یغمایی، سمیرا ایمنی، ویراستار فنی: سمیرا ایمنی.	
شابک	تهران، کارنامگ، ۱۴۰۱.	
وضعیت فهرست‌نویسی	۹۷۸-۶۲۲-۹۴۲۸۰-۴-۷	فیبا
عنوان دیگر	مشخصات نشر	
موضوع	سفالینه های دوره عیلام میانه.	
	اشیای سفالین--ایران--هفت تپه.	
موضوع	Pottery-- Iran-- Haft tappeh	
	اشیای سفالین--ایران--تاریخ--عیلامیان، ۲۲۲۵-۶۴۵ ق.م.	
موضوع	Pottery-- Iran--History--Elamites, 2225-645 B.C	
	هفت تپه--آثار تاریخی	
	Haft tappeh (Iran) -- Antiquities	
شناسه افزوده	ایمنی، سمیرا، ۱۳۶۰	
ردبندی کنگره	NK ۱۴۷۴	
ردبندی دیوبی	۷۴۵/۴۴۹۵۵۵۳	
شماره کتابشناسی ملی	۸۸۴۰۷۸۷	
وضعیت رکورد	فیبا	

هفت تپه-دشت خوزستان سفالینه های دوره عیلام میانه

اسماعیل یغمایی، سمیرا ایمنی

ویراستار فنی: سمیرا ایمنی

طراحی جلد: رضا خسروی

صفحه‌آرا: مهشید ایمنی

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: نخست، خردادماه ۱۴۰۱، تهران

چاپ: نیشه

قیمت: ۲۴۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۲۸۰-۴-۷



نیشه

همهی حقوق معنوی این کتاب برای نویسنده‌گان محفوظ است.

تهران: صندوق پستی ۱۵۸۸۹۸۳۸۱۴ /تلفن ۰۲۱۸۸۳۰۴۳۸۸

تهران: خیابان مفتح شمالی، چهارراه زهره، پلاک ۲۴

پیش‌نیشتار

این کتاب که دست‌آورد دو فصل کاوش فصل سیوم (زمستان ۱۳۴۶ و بهار ۱۳۴۷) و فصل چهارم (زمستان ۱۳۴۷، بهار ۱۳۴۸) و ۱۳۴۹ می‌باشد بازگوی پژوهش‌های سفالینه‌های عیلامی هفت‌تپه است.

پیش از این دو فصل، در سال ۱۳۴۴ تیغه‌ی بلدوزر که برای یک‌دست نمودن زمین و کشت نیشکر به تسطیح تپه‌ها پرداخته بود، به سازه‌ای برخورد نمود. در این برخورد نیمی از یک تاق هلالی فرو ریخت که این آغاز نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی به سرپرستی دکتر عزت‌الله نگهبان در هفت‌تپه است که ۱۲ فصل به درازا کشید.

جز سازه‌های رازی گری (آرامگاه پادشاهان، آرامگاه قربانیان، نیایشگاه، سازه‌های خشتم سترگ به گونه‌ی زیگورات...) سفالینه‌هایی سالم و شکسته‌ی بسیاری به‌دست آمد که بیش از همه گویای دوره‌ی عیلام میانه است.

به سفارش استاد نگهبان نگارنده برای پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد به بررسی، پژوهش و طراحی سفالینه‌های هفت‌تپه پرداخت که بیش‌ترین بخش آن در این کتاب آمده است. جز راهنمایی‌های ارزنده‌ی استاد نگهبان، بسیار سپاس‌گزار است از خانم الیزابت کارت، زان پرو و دکتر هنری رایت که در تاریخ‌گذاری و برابری راه‌گشای من بودند. در راستای چاپ کتاب سپاس‌گزار است از آقای حسین ابراهیمی (چاپخانه و صحافی)، آقای رضا خسروی (طراحی جلد)، خانم مهشید ایمنی (صفحه‌آرایی) و خانم هنگامه محمودی (تایپ).

اسماعیل یغمایی

سمیر ایمنی

سیاهه

۵.....	پیش‌نیشتار
۱۱.....	بخش نخست - هفت تپه از دیدگاهی دیگر
۱۳.....	جایگاه جغرافیایی
۱۵.....	پیشینه‌ی جغرافیای تاریخی
۱۷.....	پیشینه‌ی باستان‌شناسی
۳۵.....	بخش دویم - سفالینه‌های هفت تپه
۳۷.....	گونه‌ی سفالینه‌ها
۳۷.....	سفالینه‌های هفت تپه از دیدگاه ریخت
۴۲.....	روش‌های جداسازی سفالینه‌های هفت تپه از چرخ سفال‌گری
۴۳.....	بررسی و پژوهش سفالینه‌های به دست آمده از هفت تپه
۴۳.....	کوزه‌ها
۴۴.....	کوزه‌های تهدگمه‌ای
۴۴.....	کوزه‌های تهدگمه‌ای بدنه کروی
۶۲.....	کوزه‌های تهدگمه‌ای بدنه بیضوی (دوکی شکل)
۷۸.....	کوزه‌های تهدگمه‌ای بدنه شلجمی

۹۰	کوزه‌های گل لاله‌ای
۱۰۸	کوزه‌های شانه‌دار
۱۲۳	کوزه‌های ته گرد
۱۳۰	پاکتهای سفالین
۱۵۵	کاسه‌ها
۱۷۲	تغار، لاوک
۱۷۶	آبنوش‌ها
۱۸۴	خمره‌ها
۱۹۶	آوندهای دهانه تنگ (قیفی)
۲۰۳	درپوش‌ها
۲۰۷	پایه‌های اجاق
۲۱۱	گل میخ‌های سفالین
۲۱۱	تابوت‌های سفالین
۲۱۴	آوندهای مینیاتوری
۲۱۹	آوندهای ناهم‌گون
۲۳۱	بخش سیوم - سفال عیلامی هفت تپه از دیدگاه پایه و لبه
۲۳۳	پایه‌ها
۲۳۴	نگرش به ساختار پایه‌ها و برابری آن‌ها
۲۳۴	پایه‌های تخت
۲۳۵	پایه‌های دیسکی
۲۳۶	پایه‌های پخ
۲۳۶	پایه‌های تهدگمنی
۲۳۷	پایه‌های حلقوی
۲۳۸	پایه‌های ته گرد
۲۳۸	لبه‌ها
۲۳۹	لبه‌های مدور
۲۴۰	لبه‌های نواری

۲۴۱.....	لبه‌های تخت
۲۴۱.....	لبه‌های مثلثی
۲۴۲.....	تکه‌سفالینه‌های منقوش هفت‌تپه
۲۴۳.....	بخش چهارم - محوطه‌های دور و بر هم دور
۲۴۵.....	شکسته‌سفالینه‌های تپه قلعه
۲۴۹.....	ترجمه‌ی گزارش مقدماتی کاوش در تپه شرف‌آباد
۳۰۴.....	ترجمه‌ی گزارش دوره‌ی عیلامی و تاریخ آغاز و مشخصات دوره‌ی عیلام میانه
۳۱۹.....	سرچشممه‌ی آگاهی‌ها
۳۲۳.....	تصاویر آخر کتاب

بخش نخست

هفت تپه از دیدگاهی دیگر

جایگاه جغرافیایی

در میلیون سال بسیار دور، نجد ایران سرزمین گستردگی و پهناوری بوده است بین دو رودخانه‌ی گنگ (در خاور) و فرات (در باخته). این سرزمین پس از دیگرگونی‌های زمین‌شناختی، رخدادهای تاریخی و نشیب و فرازهای بسیار؛ به مرزهای جغرافیایی امروزین رسیده است.

آبراه‌پارس نیز از این دیگرگونی زمین‌شناختی بر کنار نبوده است. در هزاره‌های نخستین دوران سیوم زمین‌شناصی (۴۵ میلیون سال پیش) با شکل‌گیری اقیانوس اطلس و هند، شکاف بین آسیا و آفریقا، سبب پیدایش دریای عمان گردید که گستالت بین این دو آبراه‌پارس را به وجود آورد. با تنه‌شین شدن گل‌ولای رودخانه‌ها، دشت زرخیز بین‌النهرین پرداخته شد که نخستین جرقه‌های تمدن بشری در آن‌جا شکل گرفت.

از دیگرسو گل‌ولای رودخانه‌هایی که از سوی باخترین سرچشمه گرفته و به زیر سرازیر می‌شوند، دشت خوزستان و تمدن‌های درخشان آن را شکل بخشیدند.

آبراه‌پارس که شبۀ جزیره‌ی عربستان را از ایران جدا می‌کند، از گرم‌ترین جاهای دنیا است. کارون، جراحی، رود تب (هندیان) بی‌واسطه و دجله و فرات با واسطه‌ی اروندرود به این آبراه می‌ریزند.

چهار رودخانه‌ی کرخه، شاور، آبدیز (دز) و کارون، سراسر دشت خوزستان را پیموده و به آبراه‌پارس می‌ریزند.

امروزه استان خوزستان که سرزمینی هموار است با رویه‌ای نزدیک ۶۴۰۱۹/۱۲ کیلومترمربع و پهناوری برابر با ۱۱۰ کیلومتر در شمال و ۲۰۰ کیلومتر در جنوب، در سوی جنوب‌باخته ایران جای دارد.

تصویر ۱- نقشه‌ی استان خوزستان^۱

محوطه‌ی باستانی هفت تپه در کشتزارهای نیشکر دشت خوزستان، بین رودخانه‌های دز و کرخه با مختصات جغرافیایی ۳۲ درجه و ۴ دقیقه و ۴۴ ثانیه‌ی شمالی و ۴۸ درجه و ۱۹ دقیقه و ۳۵ ثانیه‌ی خاوری، و کم‌بیش در ۱۷ کیلومتری جنوب‌خاوری شوش جای دارد.



تصویر ۲- جانمایی محوطه‌ی باستانی هفت‌تپه^۱

پیشینه‌ی جغرافیای تاریخی

پژوهش‌گران و اندیشمندان ایران اسلامی در نبشتارهای خود به خوزستان و ویژگی‌های آن اشاره فرموده‌اند. یکی از کهن‌ترین متون در دست از آن «جیهانی» است که آورده: «ولایت خوزستان در زمین هموار است و نرم و آبهای روان و بزرگ‌تر جویها جوی تستراست... آبی چنین بزرگ در مقدار مسافت همه بزمینهای می‌رود که در آن نیشکر است و هیچ ضایع نمی‌شود و در میان آن زمینهای زراعت و درختان خرماست... و در جمله خوزستان کوه و ریگ نیست مگر اندکی بنواحی تستر و جندشآپور و بناحیه ایذج و اصفهان... اما آب هوا و آب و خاک آن خوش است و آبهای روان. در همه خوزستان نمی‌شناسم جائی که آب از

چاه باشد از بسیاری آبهای روان آن ولایت».^۱

در کتاب ارزشمند «حدودالعالم» نیز آمده؛ «... و این ناحیتیست آبادان و بسیار نعمت‌تر از هر ناحیتی کی بدو پیوسته است و اندر [اوی] رودهای عظیم و آبهای روانست و سواهاء خرم است و کوههای بانعمتست و از وی شکر و جامهای گوناگوان خیزد ...»^۲
در این راستا «اصطخری» نیز آورده؛ «و زمین خوزستان هامون است. آبهای روان دارد. بزرگ‌تر رودی در خوزستان رود شوشتراست... و در همه خوزستان کوه و ریگ نبود مگر به شوشترا و گندی سابور و ایذج تا حدود سپاهان... و در همه خوزستان شهری ندانم کی آب چاه خورند و خاک زمین خوزستان هرچه از دجله دورتر بود خشک‌تر بود ...»^۳

«یعقوبی» نیز از ویرگی‌های خوزستان و رودخانه‌های پر آب آن یاد کرده است او آورده؛ «... در همه این دیار نیشکر فراوان است ولی بیشتر از همه جا در مسرقان است... و همچنین به شوشترا و شوش که بیشتر از شهرهای دیگر بدانجا آورند در این سه شهر نیشکر بهقدر خوارکشان هست نه برای شکرکشی... زبان مردم شهرهای ایشان فارسی و عربی است. لیکن زبانی ویژه نیز بنام خوزی دارند که نه عبری و نه سریانی و نه فارسی است ...»^۴
هرچند همه‌ی این اندیشمندان بخش جنوب‌باختری ایران را خوزستان می‌شمارند، اما از دیرباز عیلامیان آن را «هلتمتی» به معنی سرزمین خدایان آورده‌اند. «هیننس» آورده؛ «... عیلامی‌ها خودنام کشورشان را به الفبای میخی تحت عنوان «هل-تا-ام-تی» می‌نوشتند که می‌تواند «هل-تمپت» هم خوانده شود؛ در اینجا «هل» به معنای سرزمین و تمپت به معنای (فرزانه) سرور است. این اطلاق مبین آن است که عیلامی‌ها سرزمینشان را به عنوان «زمین سرور» یا «زمین خداوند» می‌دیدند، گرچه این امر حتمی نیست».^۵

در سنگنبشته‌ی داریوش نخست در بیستون نیز «اوج»^۶ (Avyja) نامیده شده است.^۷ از این رو دشت خوزستان از دیرباز مورد نگرش اندیشمندان ایرانی بوده و بسیار به ویرگی‌های

۱. ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال‌العالیم، ترجمه: علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات: فیروز منصوری، مشهد: به نشر (آستانه قدس رضوی)، ۱۳۶۸: ۱۰۵-۱۰۴.

۲. ناشناس، حدودالعالم من المشرق الى المغرب، به کوشش: منوچهر ستوده، تهران: طهوری، ۱۳۶۲: ۱۳۷.

۳. ابواسحق اصطخری، مسالک‌و‌ممالک، به کوشش: ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۷: ۹۱-۹۰.

۴. ابن واصل یعقوبی، البلدان، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶: ۳۲۹-۳۲۸.

۵. والتر هیننس، دیلای گمشده عیلام، ترجمه: فیروز فیروز نیا و پرستار؛ منصوروه کاویانی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۲۱: ۲۵-۲۶.

۶. به فارسی باستان Ja عیلام ترجمه شده است. (Kent, 1953: 175).

۷. رولف نارمن شارپ، فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی، شیراز: شورای مرکزی جشن‌های شاهنشاهی، ۱۳۴۶:

آن پرداخته شده است؛ که در این کتاب به همین چند نسبتار بسنده می‌کنیم.

پیشینه‌ی باستان‌شناسی

از دیرباز رج تپه‌های زنجیروار که در کناره‌ی راه خاکی شوش به چغازنبیل جای داشت، چون تپه‌های طبیعی می‌نمود. باستان‌شناسان فرانسوی که برای کاوش چغازنبیل از این راه هر روز بارها و بارها می‌گذشتند، هر گز گمان نداشتند که در دل این تپه‌ها آثاری از تمدن عیلام نهفته باشد.

طبیعی بودن این تپه‌ها چنان می‌نمود که با وجود بهدست آمدن نخستین یافته‌ی باستانی بازهم این گمان نادرست بر جای بود. این یافته که در سال ۱۳۴۲ در دامنه‌ی یکی از این تپه‌ها بهدست آمد، جرقه‌ای کوچک ولی بسیار درخشان بود که پیش از آن که کسی ارزش آن را دریابد، خاموش شد.

در این سال مهندس «ابراهیم ارباب» هنگام آب‌یاری مزرعه‌ی نیشکر خود، در دامنه‌ی یکی از این تپه‌ها به یافته‌ی سنگی کوچکی بر می‌خورد. او پس از زدودن گلولای آن، درمی‌یابد که این یافته قالبی است برای ساخت پیکره و تندیس‌های گلی. با درک ارزش تاریخی این یافته، آن را به موزه ایران‌باستان سپرد که پس از پژوهش ناچیزی گاهنگاری آن را از میانه‌ی دوره‌ی ساسانی؟ پیشنهاد نمودند.

پس از چند سال فراموشی سرانجام در سال ۱۳۴۴، هنگامی که بولوزری در دوروبر این تپه‌ها برای یکدست نمون زمین و کشت بیشتر نیشکر کار می‌کرد، تیغه‌ی آن به سازه‌ای برخورد کرد. در این برخورد نیمی از تاق آجری هلالی یک آرامگاه فروریخت و این سرفصل نخستین کاوش‌های باستان‌شناسی هفت‌تپه بود.

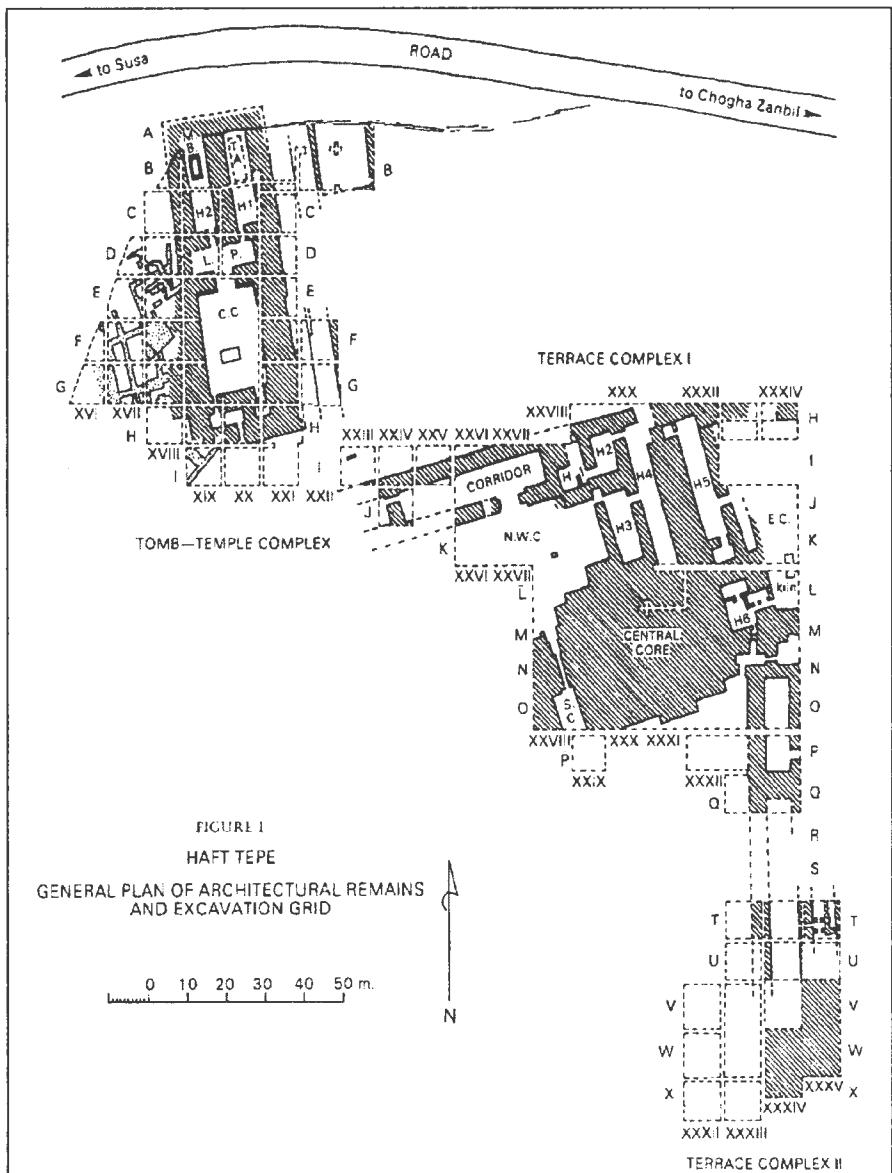
در زمستان همین سال گروه باستان‌شناسی به سرپرستی دکتر «عزت‌الله نگهبان» به کاوش پرداخت که ۱۲ فصل به درازا انجامید.



تصویر ۳- روزهای نخست کاوش (پیش از کاوش درون آرامگاه)



تصویر ۴- دکتر نگهبان هنگام توضیح به بازدیدکنندگان



تصویر ۵- نقشه‌ی بخش کاوش شده‌ی فصل سیوم محوطه‌ی باستانی هفت تپه

دست آورده این کاوش به گونه‌ی چکیده این گونه است؛

الف: یافته‌های رازی گری

- بافت ساختمانی آرامگاه پادشاهان عیلامی.

- آرامگاه قربانیان با پلکان و راه زیرزمینی (شاید یک سازه‌ی دو آشکوبه) وابسته به

آرامگاه پادشاهان.

- نیایشگاه در برگیرنده‌ی؛ ایوان، تالارهای پیوسته و سکوی قربانگاه با دیوارهای ستبر خشتشی.
- زیگورات (سازه‌ی خشتشی سترگ با بلندای بسیار).
- سازه‌ای نامشخص بین نیایشگاه و زیگورات.

ب: دیگر یافته‌ها

- سفالینه
- سنگنبشته
- گلنبشته
- تلبوت
- یافته‌های تزئینی

جز این یافته‌ها، باید به نشانه‌های ماندگاری ساده از دوران پارت، الیمائی و ساسانی اشاره نمود.



تصویر ۶- روزهای نخست کاوش

بخش نخست- هفت تپه از دیدگاهی دیگر ۲۱

نگارنده در دو فصل سیوم (زمستان ۱۳۴۶ و بهار ۱۳۴۷)، چهارم (زمستان ۱۳۴۷ و بهار ۱۳۴۸) و ۱۳۴۹ در کاوش‌های هفت تپه شرکت نموده که این کتاب بازگوی پژوهش‌های سفالینه‌های چهار فصل نخست (۱۳۴۹-۱۳۴۴) این محوطه است.



تصویر ۷- کاوش در آرامگاه قربانیان عیلامی



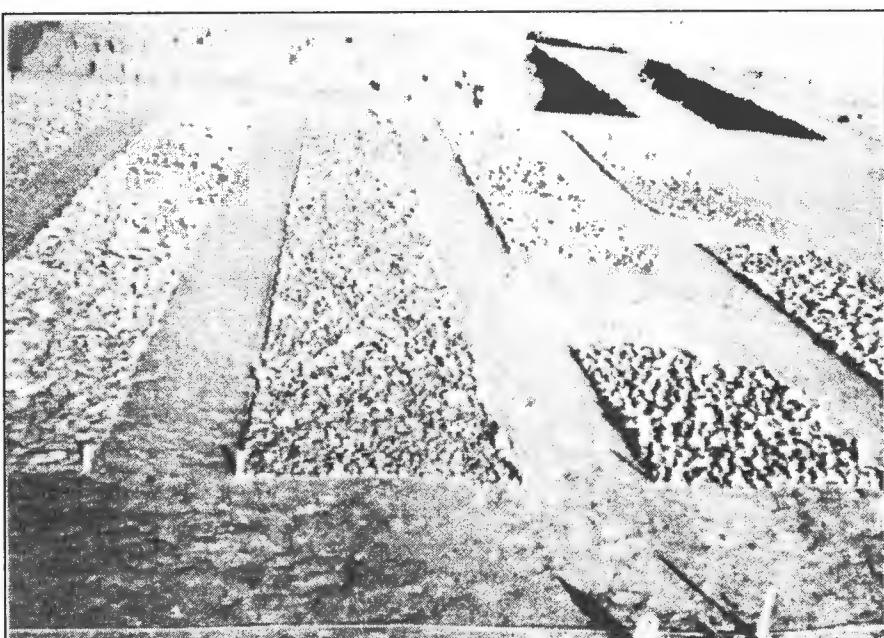
تصویر ۸- نگارنده در حال پاک نمودن یافته



تصویر ۹ - توده‌ی شکسته سفالینه‌های به دست آمده از دو فصل کاوش



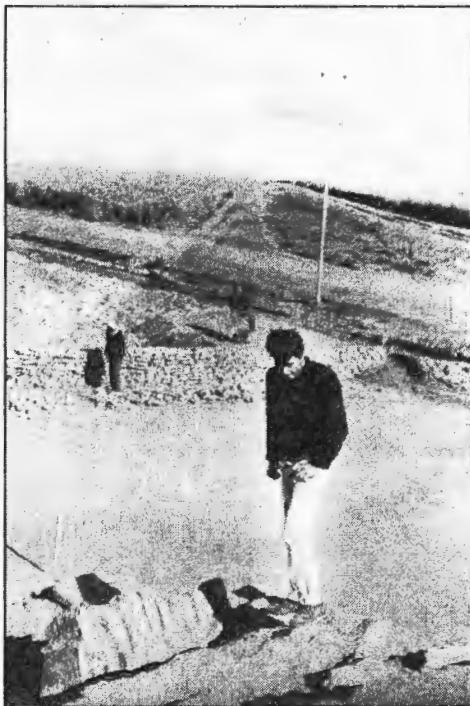
تصویر ۱۰ - گردآوری، بخشندی و طراحی شکسته سفالینه‌ها



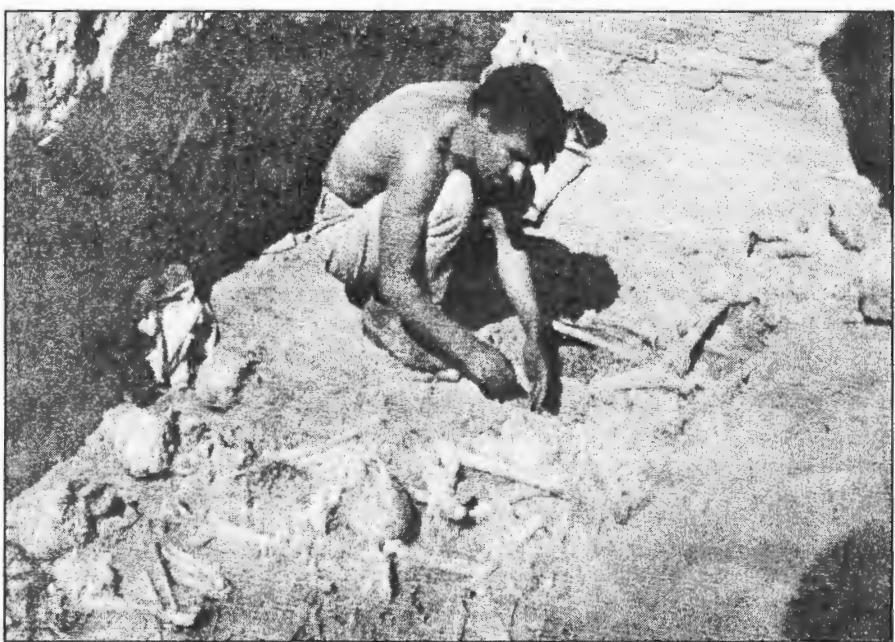
تصویر ۱۱- گردآوری و بخش‌بندی شکسته سفالینه‌ها



تصویر ۱۲- آرامگاه کوچک و اسکلت قربانی‌های زن



تصویر ۱۳ - آرامگاه کوچک



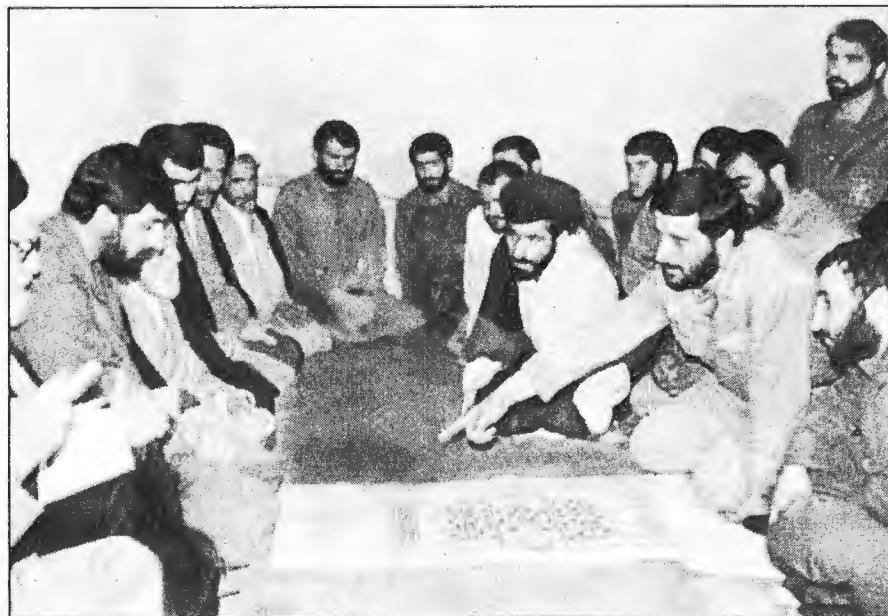
تصویر ۱۴ - کاوش در آرامگاه کوچک

با آغاز جنگ تحمیلی، موزه‌ی هفت تپه ستاد عملیات جنگی گردید. بسیاری از یافته‌ها که در درازای ۱۲ فصل کاوش به دشواری به دست آمده و در ویترین‌ها برای نمایش گذاشته شده بود؛ به گوشه‌ای ریخته شدند. از سالن بزرگ موزه به گونه‌ی بیمارستان سرپایی سود برده شد.

ویرانی‌های این موزه در درازای ۸ سال جنگ چندان بود که می‌توان گفت هیچ‌چیز نه از کاوش، نه از یافته‌ها و نه حتی یک کتاب از کتابخانه‌ی آن جا بر جای نمانده بود.

پس از پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۷۳ گروهی از باستان‌شناسان برای سامان‌دهی آثار باستانی خوزستان گسیل شدند؛ «مهدی رهبر» برای سامان‌بخشی «شوش»، «حمید فرخ احمدی» برای سامان‌دهی «چغازنبیل» و نگارنده برای پاک‌سازی و سامان‌دهی «هفت تپه». این سامان‌دهی بیش از ۸ ماه به درازا کشید و تا آن جا که می‌سور بود محوطه از پوکه‌های فشنگ و دیگر پس‌ماندهای جنگی چون؛ باندها و پنبه‌های آلوده پاک‌سازی شد.

آن‌چه از یافته‌ها، گوشه و کنار پراکنده بودند؛ گردآوری و بیش‌تر آن‌ها در ویترین‌های شکسته جای گرفتند و موزه کمی سر و سامان یافت. اما این سامان‌بخشی هرگز هفت تپه را چون روزگار پیش از جنگ نرساند. چه بسیاری از بخش‌های رازی گری، اسکلت‌ها و آرامگاه‌ها چندان نایاب شده بودند که دیگر امکان بازگشت به گذشته را نداشت.



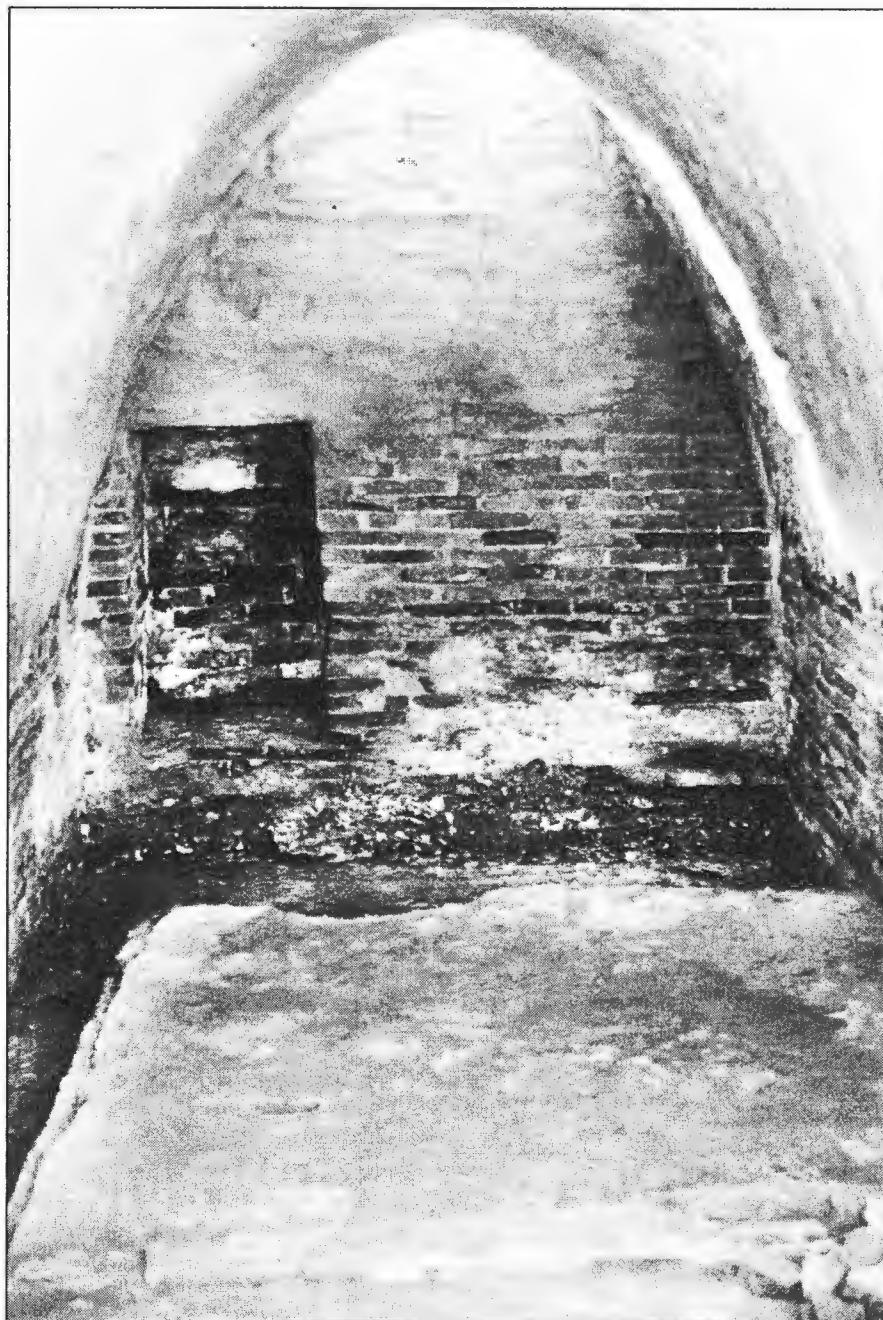
تصویر ۱۵- ستاد عملیات جنگ تحمیلی در اتاق مدیر موزه



تصویر ۱۶ - پاکسازی محوطه



تصویر ۱۷ - پاکسازی محوطه



تصویر ۱۸- آرامگاه پادشاهان پس از پاک سازی که خالی از اسکلت بود